

# باید او را ترک می کرد

Photo: vectorguru/depositphotos.com

ترجمه‌ای از خانه امن

دوست پسریکی از دوستانم یک آزارگر بود. پس از ۴ سال دوستی می‌توانستم بفهمم که چه چیزی او را ناراحت می‌کند. این موضوع در یک لحظه بر من عیان شد با اینکه می‌توانستم زودتر متوجه شوم اما هیچ‌وقت به آن دقت نکرده بودم.

ما با هم در خانه دوستم بر روی یک پروژه درسی کار می‌کردیم. دوست پسرش به خانه آمد و پرسید چرا من آنجا هستم. شنیدم که به دوستم می‌گوید که من باید خانه را ترک کنم و دوستم هم باید به جای دیگری برود.

هنگامیکه دوستم دوباره به طبقه بالا می‌آمد صدای رادیو را زیاد کردم تا متوجه نشود من مکالمه‌شان را شنیده‌ام. او به من گفت مادرش زنگ زده و وقت دندان‌پزشک دارد اما او این قرار را فراموش کرده و همین حالا باید برود.

پیش از آنکه من موضوع را با دوستم مطرح کنم این اتفاق ۴ بار دیگر رخ داد.

اما زمانی که خودم را داخل این ماجرا کردم و موضوع را مطرح کردم درگیری شدیدی بین من و دوست پسرش ایجاد شد. جروبحث مفصلی به راه افتاد و او همانطور که دوستم را می‌زد سعی داشت مرا هم کتک بزند.

بعدها وقتی با دوستم درباره این موضوع حرف می‌زدم به من گفت این اتفاق فقط همان یک بار رخ داده است. من به او گفتم که بارها صدای فریاد کشیدن دوست پسرش را شنیده‌ام و متوجه شده‌ام که بخاطر حضور من در خانه با او درگیر شده است. من به دوستم گفتم که دوست پسرش حق ندارد او را کتک بزند چون اگر عاشق او بود این کار را نمی‌کرد. بارها به او تاکید کردم که این اتفاق‌ها تقصیر او نیست.

در نهایت او دوست پسرش را ترک کرد و از این مرحله گذر کرد. دوستم روزهای سختی را از سر گذراند اما در نهایت متوجه شد که آن دو برای هم نیستند و او باید دوستش را قبل از آنکه کشته شود ترک کند.

منبع